پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۷۷ – ۱۵۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۱۰۷

نسبت تمرکزگرایی و حکمرانی خوب در دولت‌های نهم و دهم

مسعود غفاری[۱]
محمد رستم‌پور[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۶**

چکیده

حکمرانی مطلوب و روش‌های نیل به آن از دیرباز محل بحث و گفتگوی فلاسفه و اندیشمندان علم سیاست بوده است. بسیاری از انقلاب‌های جهان نیز با هدف نیل به حکمرانی مطلوب محقق گردید، ازجمله انقلاب اسلامی ایران. انقلاب اسلامی ایران با شعارهای اسلامی خود منادی گام نهادن در مسیر حکمرانی مطلوب اسلامی بوده است. این امر سبب گردیده تا دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ رهیافت‌های مختلف در نظام سیاسی کشور در صدد تحقق هرچه بیشتر مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب باشند. به عبارتی شیوه نیل به حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران مسئله اندیشمندان علوم سیاسی ایران و نویسندگان پژوهش حاضر است. ازاین‌روی پژوهش حاضر نیز با کاربست روش توصیفی تحلیلی و استفاده از داده‌های کتابخانه و بهره‌گیری از چارچوب نظری حکمرانی خوب در پی پاسخ دادن به این سؤال اصلی پژوهش است که چه نسبتی میان تمرکزگرایی و حکمرانی خوب در دولت‌های نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. اهداف پژوهش نیز عبارت‌اند از آسیب‌شناسی رهیافت تمرکزگرای دولت احمدی‌نژاد، تبیین نظام سیاسی تمرکززدا و تولید ادبیات پژوهشی جهت کمک به کارشناسان و دولتمردان. فرضیه پژوهش نیز بدین‌صورت است که میان تمرکزگرایی و حکمرانی خوب رابطه عکس وجود دارد زیرا شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی مطلوب جهت تحقق نیازمند جامعه تمرکززدا است، درحالی‌که محمود احمدی‌نژاد به دلیل تمایل به مدیریت مستقیم بر بسیاری از نهادها و سازمان‌های کلان سیاسی و مدیریتی کشور، نظام سیاسی تمرکزگرای شدیدی به وجود آورده بود که موجب شد بسیاری از شاخص‌های حکمرانی خوب محقق نشود.

واژه‌های کلیدی: تمرکزگرایی، تمرکززدایی، حکمرانی مطلوب، حکومت مطلوب، احمدی‌نژاد، دولت‌های نهم و دهم.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران ،ایران. gaffari@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس ،تهران،ایران.(نویسنده مسئول) yaali.1427@gmail.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

۱. مقدمه

بیان مسئله: دغدغه تشکیل حکومت مطلوب از سوی زمامداران دوره‌های مختلف ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران و ادعای هر یک از آنان مبنی بر موفقیت در این عرصه ابهامات و سؤالاتی را پیرامون چیستی و ماهیت حکمرانی مطلوب و نحوه تطبیق و اجرای آن در جمهوری اسلامی به وجود آورده است. هر یک از این افراد با اتخاذ رهیافتی مشخص، مسیر و روندی به‌سوی حکمرانی مطلوب را کارآمد و نتیجه‌بخش دانسته و بر آن تأکید می‌ورزند. این در حالی است که در عرصه واقع و عمل این رهیافت‌ها خسارت‌های بسیاری برای کشور داشته و موانعی در مسیر نیل به حکمرانی مطلوب به وجود آورده است. بنابراین موضوع چگونگی نیل به حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران به مسئله‌ای نزد پژوهشگران علم سیاست در ایران و زمامداران آن تبدیل شده است.

اهمیت پژوهش: برخی از زمامداران جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ رهیافت‌های مدیریتی و سیاسی اشتباه موانعی در مسیر نیل به حکمرانی مطلوب به وجود آورده و بر اثربخش و مفید و کارآمد بودن آن تأکید می‌ورزند. این پژوهش جهت تبیین یکی از پربحث و جنجال‌ترین نظام سیاسی، به ارزیابی کارآمدی آن در نیل به حکمرانی مطلوب در یک دوره ریاست جمهوری پرداخته است. انجام چنین پژوهش های موردی پیرامون عملکرد سیستم سیاسی تمرکزگرا در جمهوری اسلامی ایران از این حیث که کمک شایانی به رفع برخی از ابهامات پیرامون نسبت رهیافت مذکور و حکمرانی مطلوب می‌کند اهمیت بسیاری دارد. علاوه بر این در پژوهش حاضر رهیافت تمرکززدایی و نسبت آن با حکمرانی مطلوب نیز مورد مداقه قرار گرفته و بر اهمیت آن افزوده است. این پژوهش به سبب ارزیابی تجربه عملی یکی از تمرکزگراترین دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در تحقق حکمرانی مطلوب اهمیت شایانی دارد چراکه با ارزیابی نسبت حکمرانی مطلوب و تمرکزگرایی در دولت‌های نهم و دهم می‌توان به کارآمدی و یا ناکارآمدی این رویکرد سیاسی پی برده و جهت انجام اصلاحات یا تغییرات مورد نیاز در مسیر حکمرانی مطلوب اقدام کرد.

ضرورت پژوهش: عدم ارزیابی تطبیقی عملکرد و میزان کارآمدی رویکردهای مختلف نظام سیاسی و اداری کشور مانع از کشف نواقص و ایرادات جهت انجام اصلاحات می‌شود؛ بنابراین انجام چنین پژوهش‌هایی از این حیث که به‌نوعی آسیب‌شناسی تطبیقی رهیافت‌های مختلف می‌گردد اهمیت بسیاری دارد.

سؤال‌های پژوهش: سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه چه نسبی میان تمرکزگرایی

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

و حکمرانی خوب در دولت‌های نهم و دهم وجود دارد. سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از اینکه اتخاذ رهیافت تمرکززدایی تا چه میزان می‌تواند به تحقق حکمرانی خوب منجر شود. در دولت نهم و دهم چه رهیافتی اتخاذ شده و چه نتایجی به دنبال داشته است.

اهداف پژوهش: یکی از مهم‌ترین اهداف نویسندگان از نگارش پژوهش حاضر آسیب‌شناسی تطبیقی رویکردهای مختلف اتخاذ شده در ساختار سیاسی و مدیریتی کشور جهت ارائه نقشه راه آتی به تصمیم‌سازان و تصمیم گیران است. تولید ادبیات پژوهشی و ارائه آن به پژوهشگران و کارشناسان علوم سیاسی ایران دیگر هدف نویسندگان بوده است.

روش پژوهش: در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی با استناد به داده‌های کتابخانه‌ای استفاده شده است. در قسمت چارچوب مفهومی مفاهیم تمرکزگرایی وتمرکززدایی توضیح داده شده است. چارچوب نظری مورد استفاده این پژوهش نیز مبتنی بر شاخص‌های حکمرانی مطلوب است.

ادبیات پژوهش: با بررسی متدولوژیک پژوهش‌های مرتبط با این موضوع مشخص شد که دو دسته کلی پژوهش در این حوزه انجام شده است. یک دسته از پژوهش‌ها به تبیین حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن پرداخته و دسته دیگری از پژوهش‌ها تعریف تمرکزگرایی و آثار آن بر ساختارهای اجرایی را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش تلاش شده است تا با ترکیب دو رهیافت مذکور، به ارزیابی نسبت دو مقوله تمرکزگرایی و حکمرانی خوب در دولت محمود احمدی‌نژاد پرداخته شود.

سامان‌دهی پژوهش: سامان‌دهی پژوهش حاضر نیز بدین‌صورت است که ابتدا ادبیات پژوهش بررسی شده و رویکرد پژوهش‌های پیشین بیان می‌گردد. پس‌ازآن جهت فهم بهتر متن، اصطلاحات جدید و کلیدی پژوهش در بخش چارچوب مفهومی تبیین می‌گردد. سپس مقوله حکومت و حکمرانی خوب و شاخص‌های آن به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش واکاوی می‌شود. درنهایت نیز با بیان نوع عملکرد دولت احمدی‌نژاد در ساختارهای سیاسی و اداری کشور، میزان تطبیق شاخص‌های حکمرانی خوب در این دولت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

فرضیه پژوهش: فرضیه این پژوهش از این قبیل است که محمود احمدی‌نژاد به سبب تمایل به انجام تغییر و تحولاتی بنیادین در ساختارهای بوروکراتیک و اجرایی کشور، به‌صورت مستقیم به مدیریت برخی سازمان‌ها و نهادهای مهم و کلان سیاسی و اجرایی می‌پرداخت. هدف وی از این اقدام مدیریت و کنترل بهتر و بیشتر روند فعالیت این نهادها و سازمان‌ها بود. این در حالی است که اقدام مذکور سبب ایجاد تمرکزگرایی شدید در کشور گردیده و فاصله‌ای میان مرکز و پیرامون یا دولت و ملت به وجود آورد. این امر

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

که با شاخص‌های حکمرانی خوب ناسازگار بوده، موانعی در مسیر نیل به حکمرانی خوب در این دوره به وجود آورد.

مشکلات پژوهش: تفاوت در تبیین و تعریف و ارائه شاخص‌های حکمرانی از سوی اندیشمندان علوم سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی، اختلاف‌نظر پیرامون آثار مثبت یا منفی تمرکزگرایی در ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و سلیقه‌ای و جانب دارانه بودن بسیار از تحلیل‌ها و پژوهش‌های مرتبط با عملکرد دولت محمود احمدی‌نژاد ازجمله مشکلات نویسندگان در نگارش پژوهش حاضر بود.

۲. ادبیات پژوهش

با تبارشناسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع حاضر این نتیجه به دست آمد که غالب پژوهش‌ها یا مقوله حکومت مطلوب، حکمرانی خوب و شاخص‌های آن را مورد مداقه قرار می‌دهند، یا تأثیر تمرکزگرایی در ساختارهای مدیریتی کشور را ارزیابی و تحلیل می‌کنند. در این پژوهش نسبت دو مقوله مذکور به‌صورت مصداقی در دولت محمود احمدی‌نژاد موردبررسی قرار گرفته است. این پژوهش از این حیث که نتایج عملکرد دولت تمرکزگرای احمدی‌نژاد را با شاخص‌های حکمرانی تطبیق داده است نگاشته جدیدی به شمار می‌رود.

۳. چارچوب مفهومی

۳/۱. تمرکزگرایی[1]

تمرکزگرایی شکلی از سیستم سیاسی است که در آن تصمیمات در زمینه کلیه امور ملی و محلی توسط مرکزیت سیاسی و اداری واحدی که معمولاً در پایتخت قرار دارد، ایجاد و اجرا می‌شود. در این نظام سیاسی قدرت و اختیار اداره و اجرای امور به‌طورکلی در سازمان‌های مرکزی تمرکز می‌یابد (موسی زاده، ۱۳۸۷: ۸۴). به‌عبارت‌دیگر تمرکزگرایی به معنای تمرکز حقوق تصمیم‌گیری و مسئولیت‌ها در مرکز است. خواه این مرکز بالاترین سمت در یک وزارت خانه باشد، یا بخشی از یک سازمان محوری و یا در نسبت دفتر مرکزی با دفتر منطقه‌ای باشد. معمولاً تمرکزگرایی دلالت بر تمرکز مسئولیت‌های تصمیم‌ساز در دست عده‌ای معدود دارد. بااین‌وجود برخی بر این باور هستند که تمرکزگرایی تجمیع و انحصار قدرت سیاسی است که اغلب با مرکزیت جغرافیایی یا پایتخت همراه و همگام می‌شود (شیرودی، ۱۳۸۷: ۳).

1. Centralization

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

ازنظر آنان چون نظام‌های سیاسی تمرکزگرا، مهم‌ترین سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و محلی خود را در مرکز سیاسی کشور یا پایتخت تعیین می‌کنند، «تمرکزگرایی جغرافیایی» نامیده می‌شوند، چراکه مرکزیت گرایی جغرافیایی معمولاً در پایتخت رخ می‌دهد (فروغی ابری و سهامی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). ازنظر آنان دولت برای آنکه ابزارهای اجرائی لازم جهت اعمال سیاست‌ها را در دست داشته باشد به تمرکز اداری در پایتخت می‌پردازد.

تمرکزگرایی صرفاً به تصمیم‌گیری در سازمان‌های مرکزی محدود نمی‌شود بلکه می‌تواند در سطح محلی و منطقه‌ای نیز مطرح شود و ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اداری داشته باشد. نوع دیگری از تمرکزگرایی وجود دارد که تمرکزگرایی اداری نامیده می‌شود که می‌تواند نتیجه تمرکز قدرت اداری باشد (اسدی، ۱۳۷۱: ۶۰). در این نوع از تمرکزگرایی سازمان‌ها و دستگاه‌های اداری دولتی، خود به‌صورت مستقیم به توزیع بخش عمده‌ای از خدمات محلی به پیرامون می‌پردازند. در چنین ساختاری نهادهای مدنی و سازمان‌های محلی همچون شهرداری‌ها و شوراها نقش و تأثیر اندکی در جریان اداره امور محلی دارند زیرا این سازمان‌ها در این سیستم سیاسی بایستی بر اساس سیاست‌های ابلاغ شده از سوی مرکز عمل کنند. در چنین الگویی کلیه تصمیمات در مرکز اتخاذ می‌شود و مناطق پیرامونی هیچ استقلالی از خود ندارند (امیدی، ۱۳۹۲). پاره‌ای از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمرکزگرایی به شرح ذیل است:

تجمیع قدرت سیاسی در یک فرد یا نهاد - ساختار بردگی بوروکراتیک - شخصی شدن تصمیم‌گیری نخبگان حاکم - تشدید بوروکراسی اداری - استقرار و استمرار نهادهای امنیتی (فروغی ابری و سهامی، ۱۳۹۳: ۱۱۷). پاره‌ای از آسیب‌های تمرکزگرایی به شرح ذیل است:

۳/۱/۱. در سیستم سیاسی متمرکز سازمان‌های دولتی معمولاً به‌صورت سازمان‌های رانتی و سلسله مراتبی در ارائه خدمات عمومی به‌نوعی غیر پاسخگو، ناکارآمد و کم اثرگذار عمل می‌کنند؛

۳/۱/۲. حکومت‌های تمرکزگرا به خوبی توانایی اجرای اولویت در تقسیم منابع و خدمات عمومی به پیرامون را ندارد (Boffa and Piolatto and Ponzetto, n.d.: 3)؛

۳/۱/۳. تمرکزگرایی مستلزم انتقال میزانی از اطلاعات به پیرامون است که هیچ سیستم ارتباطی نمی‌تواند آن را تأمین کند (Dahl, 1982). درصورتی که همه تصمیمات بخواهد به‌صورت متمرکز انجام شود سرعت و هزینه افزایش می‌یابد اما کیفیت اطلاعات به شدت کاهش خواهد یافت؛

۳/۱/۴. کند شدن روند رسیدگی به امور اداری و ناامیدی و نارضایتی توده از بوروکراسی کند و عریض و طویل (پهلوی، ۱۳۴۷).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

۲/۳. تمرکززدایی[1]

مقصود از تمرکززدایی نیز توزیع و پراکنده ساختن قدرت سیاسی و اداری، تصمیم‌گیری و اجرای آن در میان نهادها، سازمان‌ها و ساختارهای مختلف مدنی در سطح ملی است (فروغی ابری و سهامی، ۱۳۹۳: ۱۱۷). عدم تمرکز سیستم سیاسی روشی است که در آن دولت مرکزی حق و اختیار تصمیم‌گیری و گاهی امکانات مادی لازم را به نهادهای محلی، که متصدیان آن بسته به توسعه سیاسی کشور توسط مردم همان محل انتخاب شده‌اند، واگذار می‌نماید (نبوی, ۱۳۵۶). کارلسن (۱۹۹۹) تمرکززدایی را حرکتی از مرکز به سمت پیرامون می‌داند که باعث کاهش تدریجی درجه تمرکز و افزایش درجه عدم تمرکز می‌شود (آبیار و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۷-۱۷۸). هدف از تمرکززدایی انتقال مسئولیت برنامه‌ریزی، مدیریت، تخصیص منابع از دولت مرکزی به سازمان‌های پیرامونی آن از قبیل واحدهای وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولت مرکزی، سطوح پایین‌تر دولت مرکزی، مسئولین منطقه‌ای و یا سازمان‌های داوطلبانه یا خصوصی غیردولتی است (Rondelli, 1984).

رویکرد دیگری در تعریف تمرکززدایی به تحویل دادن مقداری از قدرت و اختیارات اداری و یا مسئولیت به سطوح پایین‌تر سازمان‌ها و وزارت خانه‌های مرکزی اشاره دارد که با این اقدام قدرت اداری در داخل دولت مرکزی بازتوزیع می‌شود. پیشرفت جوامع و به تبع آن افزایش سطح آگاهی و توانایی مردم در درک نیازها و راه‌های برآوردن آن‌ها، ضرورت مداخله آن‌ها را در اداره امور بیشتر نموده است. این روند نیز جز از طریق سازمان‌دهی آن‌ها در شکل نهادهای مشارکتی محلی و منطقه‌ای امکان‌پذیر نبوده است. ازاین‌رو برای نیل به توسعه، تنوع در ساختار حکومتی، تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به سطوح پایین‌تر مطرح شده است (Conyers, 1986).

تمرکززدایی با هدف ارتقاء سطح دموکراسی، توسعه، امنیت عمومی و ارائه خدمات با کیفیت عمومی انجام می‌پذیرد. تمرکززدایی در اشکال و قالب‌های مختلفی کاربست می‌یابد اما غالباً به‌صورت تغییر قوانین سازمانی که تقسیم کننده منابع و مسئولیت میان سطوح مختلف دولت است اعمال می‌گردد (Eaton and Kaiser and Smoke, 2010: 1). تمرکززدایی در گذشته در میان کشورهای سوسیالیستی بلوک شرق شیوه‌ای برای حمایت از عامه مردم به شمار می‌رفته است. ازنظر پاره‌ای از متخصصان اروپایی، تمرکززدایی در تصمیم‌گیری و کنترل نهادها و زیرشاخه‌های آنان، ابزار مؤثر و کارآمدی در بهبود خدمات اجتماعی است (Flynn and Strehl, 1996: 263). برخی از نخبگان بر این باور هستند

1. Decentralization

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

که تمرکززدایی قدرت سیاسی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جوامع توسعه یافته همانند ایالات‌متحده آمریکاست (Riker, ۱۹۶۴). دریک نظام سیاسی غیرمتمرکز شهروندان فرصت بیشتری برای شرکت در فرایند تصمیم‌گیری دارند زیرا کل فرایند تصمیم‌گیری به واحدهای کوچک‌تری تقسیم می‌شود. بنابراین دولت غیرمتمرکز نسبت به یک نظام اداری متمرکز دسترسی و کنترل بیشتری به بروکراسی برای شهروندان فراهم کرده و دموکراسی و مشارکت مردم را تبدیل به واقعیت می‌کند. برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمرکززدایی به شرح ذیل است:

تحدید قانونی قدرت سیاسی فردی - تأسیس و استقرار نهادهای مستقل از ساختار بوروکراتیک - تفکیک قوا - تأسیس نهادهای مدنی - تأسیس شوراهای محلی - تأسیس مجلس نمایندگان برای نمایندگی از توده (فروغی ابری و سهامی، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

۳/۲/۱. فواید تمرکززدایی

اقتصاددانان با استفاده از رویکرد انتخاب عقلانی استدلال می‌کنند که تمرکززدایی رقابت و کارایی را ارتقا می‌بخشد. به عقیده آنان فراهم کردن برخی خدمات عمومی زمانی به‌صورت موفقیت‌آمیز اتفاق می‌افتد که تعداد قابل‌توجهی از نهادهای محلی در آن دخیل باشند که این نیز نیازمند یک سیستم سیاسی غیرمتمرکز است (Bailey, 1999). از فواید یک سیستم سیاسی غیرمتمرکز این است که به دیدگاه و منافع مردم بومی نیز اهمیت می‌دهد. نظریه‌پردازان سیاسی لیبرال مانند الکسیس دوتاکویل و جیمز استوارت میل تمرکززدایی را راهی برای انتشار قدرت سیاسی بین شهروندان دانسته و کاربست آن را در مقیاس مشخص لازم می‌دانند. این نظریه‌پردازان بر لزوم ارتباط بین دولت‌های غیرمتمرکز، مشارکت سیاسی شهروندان و نهادهای محلی در تقویت دموکراسی اشتراک نظر دارند (Pateman, 1970).

ازنظر ولمن کاهش تمرکز سیاسی باعث توزیع قدرت در ساختارهای دولتی شده و پاسخگویی دولت، مشارکت سیاسی، برابری سیاسی و انعطاف‌پذیری در تصمیم‌سازی را ارتقا می‌دهد. کاهش تمرکز حتی بر تأثیرگذاری دولت مرکزی نیز آثار مثبتی دارد چراکه امکان نظارت و بررسی عملکرد دولت مرکزی را ممکن می‌سازد و خصومت بین نهادهای مرکزی و محلی را کاهش می‌دهد (Wolman, 1990). در سیستم غیرمتمرکز عرضه خدمات عمومی و مقابله با فقر بسیار بهتر رخ می‌دهد. در این سیستم‌های سیاسی پاسخگویی دولت‌های محلی به دولت مرکزی بسیار بهتر است.

در دولت غیرمتمرکز فرصت برای مشارکت در تصمیم‌گیری عمومی فراوان است. ایوانز و اسکاچپول معتقدند که تمرکززدایی از حکومت مرکزی باعث شکل‌دهی سرمایه انسانی گردیده و واگذاری اختیارات

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

در سطوح افقی و عمودی جامعه، حکمرانی دموکراتیک را تقویت می‌کند و ضمن آنکه محیط مناسب‌تری را برای توسعه سیاسی فراهم می‌سازد، موجب تضمین بقای حکومت نیز خواهد شد (Skocpol, 1996; evans, 1996).

در سیستم‌های فدرالی که تمرکززدایی به خوبی تحقق یافته است، فاصله سیاسی بین حکم‌فرمایان و حکم شوندگان بسیار کم شده است (Rousseau and Zariski, 1987: 18). اگر ساختار اجتماعی و سیاسی کشور ناهمگون باشد، تمرکززدایی روش مؤثری برای کاهش این ناهمگونی است (Boffa and Piolatto and Ponzetto, n.d.: 2). تمرکززدایی سبب می‌شود تا رای دهندگان به مقامات محلی بهتر بتوانند اقدامات حکومت‌های محلی خود را زیر نظر قرار داده و ارزیابی کنند (Basely and Case, 1995: 25-45). در زمینه آموزش اجتماعی نیز بایستی عنوان داشت که دولت غیرمتمرکز نسبت به دولت متمرکز یادگیری اجتماعی را شتاب بیشتری می‌دهد.

٤. چارچوب نظری

٤/ ١. حکمرانی خوب

ایده حکمرانی خوب برای نخستین بار توسط بانک جهانی در ابتدای دهه ۹۰ میلادی مطرح گردید (Nadeem, 2016: 2). تعریف حکمرانی خوب کار آسانی نیست و تعاریف مختلفی پیرامون آن شکل گرفته و در تعیین حدومرزهای آن بحث و نظرهای مختلفی ارائه گردیده است (Landell-Mills and Serageldin, 1991). بانک جهانی در سال ۱۹۹۲ طی یک گزارش حکمرانی خوب را چنین تعریف می‌کند: «شیوه‌ای که در آن قدرت صرف مدیریت منابع اقتصادی اجتماعی کشور جهت توسعه سیاسی می‌شود». یونسکو نیز حکمرانی خوب را سازوکارها، فرایندها و نهادهایی می‌داند که شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی از طریق آن‌ها حقوق قانونی خود را اجرا کرده و منافع خود را دنبال می‌کنند (مرادی و رهنما و حیدریان، ۱۳۹۶: ۱۵۹). آنچه از تعریف حکمرانی خوب اهمیت بیشتری دارد، ارزیابی حکمرانی خوب است.

برخی بر این باور هستند که کیفیت حکمرانی خوب به سیاستمداران و دیوان‌سالاری بستگی دارد. درواقع حکمرانی خوب نه‌تنها از کیفیت نهادها تأثیر می‌پذیرد بلکه به ظرفیت و توانمندی سیاستمداران و دیوان‌سالاران نیز بستگی دارد (Nadeem, 2016: 2). بااین‌وجود به سبب اختلاف‌نظر در تعریف حکمرانی خوب، در ذیل پاره‌ای از مهم‌ترین تعاریف از حکمرانی خوب آورده شده است تا با مطالعه و بررسی آنان بتوان مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک این مفهوم در بین تعاریف را استخراج کرده و متناسب با آن

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

به ارزیابی دولت احمدی‌نژاد از این حیث پرداخت.

افراد حقیقی یا حقوقی	تعاریف
گریندل (۲۰۱۰)	حکمرانی خوب در بسیاری از موارد حکایت از فهرستی از خصوصیات پسندیده لازم حکومت دارد. حکمرانی خوب بیانگر نگرانی‌های هنجاری پیرامون اموری است که دولت بایستی انجام دهد، همانند کاهش فقر، عرضه خدمات اجتماعی، حفظ ثبات سیاسی.
دیکست (۲۰۰۹)	جهت تضمین پیش‌نیازهای اساسی بازار اقتصادی همچون حفاظت از حقوق مالیکت، اجرای قراردادها و کنش جمعی حکمرانی خوب لازم است. اقتصاد حکمرانی خوب از همه فرایندهای اسمیتی حمایت می‌کند که بر اساس آن، افراد در امور مختلف متخصص می‌شوند و با همدیگر جهت نیل به نهایت توان اقتصادی جامعه مبادله می‌کنند.
هایدن و دیگران	حکمرانی خوب دارای ۶ بعد مشارکت، انصاف، شایستگی، کارآمدی، پاسخگویی و شفافیت است که آن‌ها را باید در شش عرصه جامعه مدنی، جامعه سیاسی، حکومت، دیوان‌سالاری، جامعه اقتصادی و قوه قضائیه مورد ارزیابی قرار داد.
کافمن	حکمرانی خوب را می‌توان در ۶ جنبه اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، جرم و آدم کشی، کارآمدی حکومت، فقدان تحمیل های قانونی، برابر حقوقی و کنترل فساد ارزیابی کرد.
صندوق بین‌المللی پول	حکمرانی خوب ضامن برابری حقوقی، بهبود کارآمدی و پاسخگویی بخش عمومی و کاهش فساد باشد.
برنامه عمران سازمان ملل	حکمرانی خوب عبارت است از قاعده مندی، شفافیت، پاسخگویی، کارآمدی، انصاف... ترویج برابری حقوقی...تضمین اینکه اولویت های سیاسی، اجتماعی اقتصادی، بر اساس اجماع جمعی است و اظهار نظرهای فقرا و افراد آسیب پذیر در تصمیم‌گیری درباره اختصاص منابع توسعه، مورد توجه قرار می‌گیرد.
بانک جهانی (۲۰۰۶)	مؤلفه‌های حکمرانی خوب عبارت‌اند از : انتخابات، احترام به نهادها، قوانین و تعاملات میان کنش گران در جوامع مدنی، تجارت و سیاست، پاسخگویی و تعویض حاکمان، کارآمدی نهادها، مقررات، مدیریت منابع.
UNCHS (۲۰۰۰)	عدم تمرکز قدرت و منابع، حضور عدالت در تصمیم‌گیری، شفافیت، پاسخگویی، کارآمدی، توسعه پایدار، امنیت، اهتمام به حقوق شهروندی.
UNDP (۲۰۰۰)	مشارکت، عدالت، شفافیت، حسابندهی، حکومت قانون، پاسخگویی، اجماعگرایی، ثمربخشی و کارآیی، چشم انداز استراتژیک.
بانک جهانی (۲۰۰۰)	مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، اهتمام به احتیاج فقرا، مدیریت کارآمد.
فریدمن (۱۹۹۸)	حسابدهی عمومی، مدیریت مسالمت آمیز بحران، رهبری سیاسی خلاق و هوشمند، عدالت، پاسخگویی.
ODA (۱۹۹۳)	پاسخگویی، شایستگی دولت، احترام به حقوق بشر، رعایت قانون، مشروعیت دولت.
بانک جهانی (۱۹۹۲)	مدیریت دولتی کارآمد، پاسخگویی، چارچوب قانونی برای توسعه، اطلاعات و شفافیت.

جدول شماره (۱): تعاریف مختلف از حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۰)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

همانگونه که از مطالعه جدول بالا به دست آمد، ارزیابی حکمرانی خوب و استخراج شاخص‌های مشترک آن که مورد توافق همگان باشد کار ساده ای نیست (Sheng, 2008: 5). آنچه در این پژوهش محوریت یافته، ۶ شاخص حکمرانی مطرح شده از سوی بانک جهانی است که به‌صورت کلی مورد پذیرش قرار گرفته است. این ۶ شاخص در نمودار ذیل به تصویر کشیده شده است.

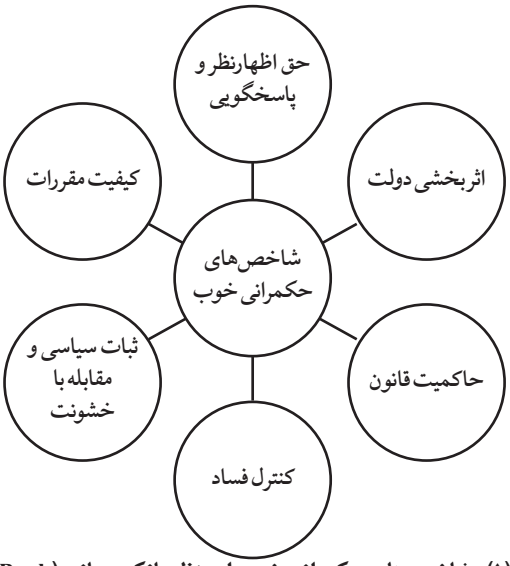

نمودار شماره (۱): شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر بانک جهانی (Word Bank, ۲۰۱۰)

۴/۲. حکمرانی خوب و تمرکززدایی

یکی از روش‌های متداول برای ارزیابی حکمرانی خوب در کشور، بررسی میزان عدم تمرکزگرایی و میزان تمرکززدایی در سیاست‌ها است (Sheng, 2008: 2). مؤلفه‌های بسیاری از تمرکززدایی به حکمرانی خوب مرتبط است زیرا تمرکززدایی نقش بسیار مهم و اثرگذاری در حکمرانی خوب دارد (Ny-iri, n.d.: 1). به عبارتی روابط وثیقی میان تمرکززدایی موفق و حکمرانی خوب برقرار است (Vengroff and Salem, 1992: 473-492).

جری ونسانت معتقد است که تمرکززدایی عبارت است از تنظیمات مهم ساختاری جهت بهبود حکمرانی در کشورهای درحال توسعه. او به عبارتی تمرکززدایی را چارچوب نهادی مهمی برای ارتقاء حکمرانی در کشورهای درحال توسعه می‌داند (VanSant, 1997). ونسانت بر این اعتقاد است که تمرکززدایی به خودی خود نمی‌تواند حکمرانی خوب را تضمین دهد. همچنین نمی‌تواند به راحتی به همه شهروندان نفع رساند بویژه شهروندان محروم. ونسانت چنین ادامه می‌دهد که تمرکززدایی که فراتر

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

از شاخص‌های مالی و اداری می‌رود مستلزم تقسیم قدرت سیاسی جهت ارتقاء جامعه مدنی است (VanSant, 1997).

تمرکززدایی نقش بسزایی در توسعه دموکراتیک بسیاری از کشورهای غربی ازجمله آمریکا و اسپانیا داشته است. همین امر سبب شده تا این کشورها به‌سوی حکومت خوب و با کیفیت میل کنند. دستیابی به حکومتی با کیفیت خوب در کشورهای درحال توسعه به‌عنوان اهداف جدید این دولتها به شمار می آید (Nyiri, n.d.: 5). تمرکززدایی واقعی در اشکال تفویض اختیارات به پیرامون و کمک به خصوصی سازی حکمرانی خوب را ارتقا می‌دهد (Conyers, 1983). رابرت چارلیک پیرامون رابطه میان تمرکززدایی و حکمرانی خوب بیان می دارد که تمرکززدایی روشی است برای ایجاد مراکز چندگانه جهت مشارکت در تصمیم‌گیری که این به نوبه خود مدیریت بهتر و پاسخگویی را که از مهم ترین فاکتورهای حکمرانی خوب هستند در پی خواهد داشت (Charlick, 1992).

۵. تمرکزگرایی در دولت‌های نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران

دولت‌های نهم و دهم در سوم تیرماه ۱۳۸۴ با پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری، توسط وی تشکیل شد. محمود احمدی‌نژاد پیروزی خود را انقلاب سوم نامید. انقلاب اول پیروزی انقلاب اسلامی، انقلاب دوم تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و انقلاب سوم ازنظر احمدی‌نژاد تشکیل دولت نهم به ریاست وی بود. بعد مسلط و محوری این انقلاب را می‌توان در این دانست که احمدی‌نژاد قصد داشت مستقیما و به دست خود توزیع منابع کشور را رقم بزند و همین امر باعث شد دولت بسیاری از اختیارات و تصمیم‌گیری ها را در دایره خود متمرکز کند. گویا رئیس دولت‌های نهم و دهم توجه لازم به فرایندهای جامعه درحال گذار ایران و نیاز گروه‌های اجتماعی در حال نوسازی، به ویژه در زمینه مشارکت سیاسی نداشت. بااین‌وجود دولت‌های نهم و دهم انگیزه چندانی برای ایجاد و ارتقاء سطح کمی و کیفی نهادهای مشارکتی و کانالیزه کردن تقاضاهای سیاسی و اجتماعی طبقه متوسط جدید نداشتند (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۵۴) که حکایت از تمایل دولت به تمرکزخواهی و میل سریع آن به‌سوی تمرکزگرایی شدید داشت. آمار سال ۱۳۹۰ حکایت از این دارد که اکثر کارکنان قانون گذاری، مقامات عالی رتبه و مدیران کشور در مرکز سیاسی کشور مشغول به کار بودند؛ به‌طوریکه از مجموع ۷۴۶ هزار نفر از کارکنان این گروه، تعداد ۲۰۰ هزار نفر (۲۶/۸ درصد) در پایتخت فعالیت می کردند (اسدزاده، هانیه و غنی پور، مرضیه، ۱۳۹۳: ۳۲۲). این امر نشان دهنده نوعی از تمرکزگرایی اداری دولت احمدی‌نژاد بود. این درحالی است

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

که تمرکزگرایی در دولت وی تنها به این عرصه محدود نشده و دیگر عرصه ها به ویژه عرصه اقتصادی و سیاسی را نیز در بر می گرفت. برخی از مهم ترین نمونه اقدامات تمرکزخواهی سیاسی و محدود کردن مشارکت و فعالیت طبقه متوسط جدید در دولت‌های نهم و دهم موارد ذیل است:

انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی - انحلال شوراهای عالی - کاهش در تأسیس احزاب و تشکل‌های سیاسی - محدود کردن سازمان‌های غیردولتی - محدود کردن رسانه ها و مطبوعات - تمرکزگرایی در عزل و نصب مقامات و غیره که در ادامه به‌صورت تفصیلی مورد مداقه قرار خواهند گرفت.

۵/۱. تمرکزگرایی در عرصه رسانه و مطبوعات

از اقدامات تمرکزگرای دولت نهم و دهم می‌توان به مطبوعات و رسانه اشاره کرد. جهت بررسی وضعیت مطبوعات و رسانه در هر دولتی مؤلفه‌های مختلفی ازجمله تعداد مجوزهاي صادرشده براي رسانه ها، سنجش تعداد پرونده های قضایي مطبوعات، تعداد توقیف و لغو مجوزها و تذکرات داده شده به مطبوعات، تعداد لغو مجوزهاي ماده ۱۶ قانون مطبوعات، سنجش تعداد و نوع مطبوعات منتشرشده، شیوه چاپ مطبوعات و غیره بایستی مورد ارزیابی قرار گیرند. داده‌های آماري وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي پیرامون تعداد مجوزهاي صادرشده از سوی معاونت مطبوعاتي این وزارتخانه براي رسانه های کشور حاکی از این است که از تیرماه ۸۴ تا تیرماه ۹۲، درمجموع تعداد ۱۵۹۸ مجوز صادر گردیده که نسبت به دوره اصلاحات که تعداد ۱۱۷۶ مجوز صادر شده، رشد چشم گیري داشته است. از این تعداد ۹۳۶ رسانه در حوزه تخصصي و ۶۶۲ رسانه در حوزه عمومي فعال بوده اند. این درحالی است که در دولت‌های هفتم و هشتم سید محمد خاتمي تعداد ۵۵۹ رسانه در حوزه عمومي و ۶۱۹ رسانه در حوزه تخصصي مجوز فعالیت کسب کردند.

این آمار نشان دهنده این است که در دولت‌های نهم و دهم اکثر مجوزها برای فصلنامه ها و مجلات علمي و تخصصي صادر گردیده است. درواقع دولت با این نوع از اعطای مجوز درصدد تقویت رسانه های وابسته به دولت و مراکز علمي و تخصصي و از سویی تضعیف رسانه های مستقل از دولت و به ویژه روزنامه ها بوده است. به عبارتی در دولت‌های نهم و دهم، رسانه ها به ویژه روزنامه ها و مطبوعات با فضاي بسته و نوعي خفقان سیاسي مواجه بوده اند. بررسي وضعیت توقیف، لغو مجوزها و تذکرات داده شده به رسانه ها در این دولت، دلیلي آشکار بر وجود این فضاي بسته و تمرکزگرایی در عرصه مطبوعات است (hamshahrionline.ir). این در حالی است که یکی از کارویژه های مهم رسانه، آزادی بیان است. آزادی بیان رسانه نیز می‌تواند به برخی از شاخص‌های حکمرانی خوب همچون کنترل فساد، حق

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

اظهار نظر و پرسش طبقات اجتماعی از مسئولین و پاسخگویی آنان و در نتیجه اثربخشی دولت منجر شود. درحالی‌که دولت احمدی‌نژاد با ایجاد تمرکزگرایی شدید در رسانه و مطبوعات، دولت خود را از شاخص‌های مذکور حکمرانی خوب محروم ساخت.

۲/۵. محدوسازی سازمان‌های غیردولتی(NGO)

برطبق آمار مربوط به سازمان‌های غیر دولتی در دولت نهم و دهم، اغلب مجوزها برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی در دولت دهم از طریق وزارت کشور صادر شده است. در طول دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد مجوزهای صادرشده در این حوزه روندی صعودی داشته است. این در حالی است که بی اعتقادی به تأثیرگذاری این سازمان و گرایش به مدیریت تمرکزگرا در این دوره شرایط را برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی به اندازه ای دشوار کرد که منجر به بی اعتنایی به این سازمان‌ها و در پی آن، ناکارآمدی آن‌ها گردید. در دولت نهم و دهم اقبال چندانی به سازمان‌های غیر دولتی نبود (مولودی، بی تا). از دلایل ناکارآمدی سازمان‌های غیردولتی در این دوره، شکل نگرفتن رابطه مستمر و سازنده بین دولت و این سازمان‌ها جهت حل مشکلات اجتماعی جامعه است. این در حالی است که در صورت تعامل سازنده و مستمر با چنین سازمان‌هایی، مشکلات ارجاعی از سوی آن‌ها بهتر حل میشد (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۷: ۱۶۵).

محمود احمدی‌نژاد به لزوم وجود نهادهای واسط بین دولت و مردم توجهی نداشته و بالعکس به رابطه مستقیم و بی واسطه با مردم اعتقاد داشت و شخصاً به دنبال حل انواع و اقسام مشکلات اقتصادی، معیشتی و اجتماعی و غیره مردم بود؛ امری که درنهایت با افزایش بار مسئولیت رئیس جمهور به ناکارآمدی هرچه بیشتر دولت و افزایش مشکلات مردم انجامید (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۳-۱۲۵).

از اقدامات دولت احمدی‌نژاد در ارتباط با سازمان‌های غیردولتی، طرح تأسیس سازمان‌های غیر دولتی و نظارت بر فعالیت آنان بود. بر اساس این طرح تمامي نهادهاي غیردولتی که خواستار ادامه فعالیت یا شروع فعالیت خود بودند می بایست مورد تأیید یک نهاد نظارتي جدیدی که اعضاي آن وابسته به دولت بود قرار می گرفتند (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۷: ۱۶۷). این شرط در حالی است که یکي از مشخصه های بارز سازمان‌های مردم نهاد، مشخصه غیردولتی بودن آن‌ها و عدم وابستگي آن‌ها به دولت است. درحالی‌که این استقلال با تصویب طرح مذکور عملا ناکارآمد می شد. این اقدام احمدی‌نژاد حتی از سوی سازمان عفو بین‌المللی با انتقاد مواجه شد (رزاقی، ۱۳۹۰/۱/۱۵). دولت نهم و دهم با دخالت مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت این نهادها دخالت کرده و با نفوذ در بدنه آن‌ها و سپردن زمام امور این

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

سازمان‌ها به دست هواداران خود، آن‌ها را به پیمانکاران دولتي تبدیل کرد تا قادر به انجام کارویژه های اصلي خود نباشند. در این دوره دولت با استفاده از درآمدهاي نفتي اقدام به تأسیس نهادهاي مردم نهاد وابسته به خود کرد که منجر به افزایش کمی سازمان‌های غیردولتی شد (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۷: ۱۶۷-۱۶۸). در نتیجه توزیع حقیقی قدرت در بین سازمان‌ها و نهادهای مدنی و محلی صورت نپذیرفت.

۵/۳. تمرکزگرایی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

مهر ماه سال ۱۳۸۵ با تصمیم رئیس دولت نهم دفاتر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استآن‌ها زیرنظر استانداران قرار گرفت. این اقدام موجب تعجب بسیاری از کارشناسان گردید. برخی از منتقدین این تصمیم بر این عقیده بودند که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به صندوق دارایی دولت تبدیل می‌شود. فرهاد رهبر رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در اعتراض به این اقدام، یک ماه بعد از این دستور استعفا داد. کمتر از ۱۰ ماه بعد از این اقدام یعنی در تیرماه ۱۳۸۶ در جلسه شورای عالی اداری که ریاست آن را رئیس جمهوری برعهده دارد، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور توسط رئیس جمهور منحل شد. این اقدام رئیس دولت نهم باعث شد که محوریت تصمیم‌سازی ها در اختیار شخص اول دولت قرار گیرد و این دقیقا مطابق با ایده تمرکزگرایی سیاسی و اداری است. همانطور که اشاره شد برای نیل به دموکراسی لازم است دیگر طبقات اجتماعی نیز در قدرت و تصمیم‌گیری مشارکت یابند. درصورتی با اقدام مذکور احمدی‌نژاد، همه تصمیم‌سازی ها و تصمیم‌گیری های مربوط به برنامه و بودجه در دست رئیس جمهور متمرکز گردید که با اصول دموکراسی تعارض دارد.

۵/۴. تمرکزگرایی در انتصاب مقامات

محمود احمدی‌نژاد به دنبال کنترل کامل وزارتخانه ها جهت سوق دادن به سمت برنامه‌های دولت بود. این مقوله به سبب ماهیت رانتیری کشور و دولت، در وزارتخانه ها و سازمان‌های اقتصادی به ویژه وزارت نفت و بانک مرکزی شدت بیشتری داشت. احمدی‌نژاد برای وزارت نفت اهداف زیادی داشت به همین دلیل به دنبال تسلط کامل بر این وزارتخانه و کنترل آن بود. ازاین‌روی وی شورای نفت را برای نظارت و رسیدگی به عواید قراردادهای نفتی تأسیس کرد تا به قول خود بتواند فضای حاکم بر قراردادها، تولید و صادرات نفت را واضح و آشکار کند. وی در طول مدت چهار ماه تعداد چهار وزیر مختلف جهت تصدی وزارت نفت به مجلس معرفی کرد که هر کدام از آن‌ها توسط نمایندگان مجلس رد صلاحیت می شدند. روحیه تمرکزخواهی احمدی‌نژاد به میزانی بود که وی درنهایت تصمیم گرفت تا خود سرپرستی وزارت نفت را بر عهده گیرد که البته این پیشنهاد با مخالفت ها و اعتراضات شدید نمایندگان مجلس واقع شد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

بااین‌وجود تلاش های احمدی‌نژاد موجب شدت یافتن تمرکزگرایی نفتی در کشور گردید. به موجب این تمرکزگرایی نفتی به وجود آمده، دولت نهم و دهم به نهادهای مدنی نیازی نداشته و به سبب کنترلی که بر این نهادها داشت خود را از ظرفیت آنان محروم می ساخت.

سازمان دیگری که محمود احمدی‌نژاد سیاست تمرکزگرایی اقتصادی را در عزل و نصب های خود دنبال می کرد، بانک مرکزی بود. ابراهیم شیبانی اولین منصوب احمدی‌نژاد برای ریاست کل بانک مرکزی بود. احمدی‌نژاد به دنبال کاهش نرخ سود سپرده های بانکی بود. ازاین‌روی ابراهیم شیبانی را جهت پیشبرد این سیاست منصوب کرد. شیبانی نیز پس از اصرار احمدی‌نژاد جهت کاهش نرخ سود بانکی به نرخی کمتر از نرخ تورم، به نشانه اعتراض از سمت خود کناره گیری کرد (دارایان، ۱۳۹۴/۴/۲۳). پس از ابراهیم شیبانی نیز طهماسب مظاهری به‌عنوان رئیس بانک مرکزی انتخاب شد که این ریاست نیز یک سال بیشتر طول نکشید. مظاهری نیز علت کناره گیری خود را مخالفت با احمدی‌نژاد در تعیین نرخ سود بانکی، مخارج دولت و استقلال بانک مرکزی اعلام داشت.

وزارت اقتصاد وزارتخانه دیگری بود که سیاست تمرکزگرایی مالی احمدی‌نژاد در آن دنبال می شد. دانش جعفری برای پیشبرد سیاست‌های احمدی‌نژاد منصوب گردید اما او نیز از وزارت اقتصاد کناره گیری کرده و علت این اقدام خود را کنترل شخصی اقتصاد کشور توسط احمدی‌نژاد اعلام داشت (BBC, 2008). البته بایستی عنوان داشت که تمرکزگرایی رئیس دولت نهم و دهم تنها به نهادهای اقتصادی محدود نبود بلکه در تمام ساختارهای سیاسی و اقتصادی و اداری این کشور ساری و جاری بود. کنار گذاشته شدن منوچهر متکی، وزیر امور خارجه در آذر ۱۳۸۹ درحالی‌که در سفر رسمی خود در سنگال به سر می برد نیز نمونه ای از اقدامات وی در راستای تمرکزگرایی است. در مدت ۸ سال ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، کابینه او ۲۰ مرتبه با عزل وزرا و ادغام وزارتخانه‌ها دستخوش تغییرات شد که با اقدامات مجلس شورای اسلامی در استیضاح وزرا این رقم به ۲۳ مرتبه رسید (۱۳۹۲/۵/۱۳، خبرگزاری تسنیم). چنین عزل و انتصاب هایی از سوی محمود احمدی‌نژاد موجب کاهش اثربخشی دولت به‌عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب در دولت نهم و دهم گردید.

۵/۵. تمرکزگرایی در تأسیس احزاب و تشکل های سیاسی

داده‌های آماری مربوط به تعداد تشکل های سیاسی و احزاب تأسیس شده در دولت نهم و دهم حکایت از این دارد که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ تعداد ۲۱ مجوز در دولت نهم و ۹ مجوز نیز در دولت دهم برای تأسیس تشکل های سیاسی صادر شده است. این در حالی است که از این تعداد تنها ۹ تشکل

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

سیاسی تحت عنوان حزب سیاسی توانسته اند مجوز فعالیت دریافت کنند. این تعداد از مجوز صدور فعالیت تشکل و احزاب سیاسی در دولت احمدی‌نژاد درحالی است که در دولت هفتم و هشتم سید محمد خاتمی تعداد ۱۱۵ مجوز در دولت هفتم و ۴۳ مجوز در دولت هشتم صادر شده و ۳۸ تشکل سیاسی به نام حزب مجوز فعالیت دریافت کرده‌اند (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۷: ۱۶۳).

از سوی دیگر، در دولت نهم و دهم از طریق وزارت کشور به‌عنوان متولی صدور پروانه فعالیت احزاب و نظارت بر آن‌ها، فعالیت بسیاری از احزاب غیرقانونی اعلام شد و با استفاده از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب برخی از احزاب به حاشیه رانده شدند. در دولت دهم عملا فعالیت خانه احزاب کاهش یافت. وزارت کشور ساختمانی را که در اختیار خانه احزاب بود را باز پس گرفت. عملا در این دولت به دلیل عدم حمایت جدی از احزاب و بی توجهی به آن‌ها، فعالیت های حزبی و سیاسی به مدت ۵ سال کاهش یافت. در این دوره پروانه فعالیت تعدادی از احزاب و کانون های مردمی که در دوره‌های قبل اجازه فعالیت داشتند باطل شد و یا دیگر تمدید نشد. نگرش احمدی‌نژاد در ارتباط با احزاب مبتنی بر عدم دخالت آن‌ها در سیاست بود. این دولت موجودیت احزاب سیاسی را چندان تاب نیاورد لذا کارگزاران دولت نهم و دهم با تأکید بر عدم حمایت احزاب سیاسی کشور از دولت نهم و دهم، در صدد ناکارآمد جلوه دادن احزاب در راستای حذف آنان بر آمد (عیوضی، ۱۳۹۴/۹/۲۷).

تلاش محمود احمدی‌نژاد برای کاهش قدرت احزاب سیاسی در راستای سیاست تمرکزگرایی و تمرکز قدرت در اختیار خود بود. تضعیف نهادهای جامعه مدنی و حقوق سیاسی شهروندی در حوزه حق تحزب و آزادی عضویت در احزاب توسط دولت نهم و دهم را می‌توان نشان دهنده وجود نگرشی محدودکننده به اصول توسعه سیاسی و مدرنیته سیاسی تفسیر کرد (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۷: ۱۶۴). درحالی‌که یکی از مؤلفه‌های توسعه از منظر دموکراسی، آزادی احزاب و اجازه فعالیت به آنان است. درصورتیکه در دولت احمدی‌نژاد این اصل دموکراسی نیز به خوبی تحقق نیافته و از سرعت توسعه سیاسی در این دوره کاسته شد.

۵/۶. انحلال شوراهای عالی توسط دولت

در تاریخ ۲۳ مردادماه ۱۳۸۶ تعداد ۲۸ شورای عالی به دستور محمود احمدی‌نژاد در همدیگر ادغام شدند. نمایندگان مجلس این اقدام دولت را غیرقانونی دانسته و تصمیم به ابقای حداقل ۱۸ شورا گرفتند. از سویی شورای نگهبان مصوبه مجلس را دارای ایراد دانسته و به مجلس بازگرداند. بعد از برگشت دادن این مصوبه از سوی شورای نگهبان، محمود احمدی‌نژاد به سرعت پرویز داودی، معاون اول خود را مأمور اجرائی کردن نظر شورای نگهبان کرد. ازنظر دولت احمدی‌نژاد، به دلیل اینکه شورای نگهبان تشکیل

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

این شوراهای عالی را که به عقیده دولت در آن‌ها افرادی خارج از هیئت وزیران حضور دارند، مغایر قانون اساسی شناخته است. بنابراین باید کلیه اختیارات شوراهای اجرائی به هیئت وزیران محول شود (۱۳۸۶/۱۱/۲۵، رادیو فردا). در پی این اقدام کلیه اختیارات و وظایف اجرائی شوراهای عالی به هیئت وزیران محول شد. براساس تصمیم دولت شوراهای عالی نظیر شورای اقتصاد، پول و اعتبار، بیمه، علوم، تحقیقات و فناوری، اشتغال، توسعه صادرات غیرنفتی، مناطق آزاد تجاری و صنعتی، آموزش و پرورش، زیست فناوری، استاندارد، اطلاع رسانی، انرژی اتمی، آب، انرژی، حفاظت محیط زیست و غیره منحل و اختیارات آن‌ها به کمیسیون های زیرمجموعه دولت منتقل شد.

شورای پول و اعتبار یکی از ارکان پنج گانه بانک مرکزی است که در مسائل پولی، بانکی و اعتباری اظهار نظر می‌کند و از سال ۱۳۳۹ همزمان با تأسیس بانک مرکزی در ایران ایجاد شده است. ادغام سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در نهاد ریاست جمهوری که پیشتر بدان اشاره شد و بخش های سیاست گذاری بانک مرکزی در دیگر نهادهای زیر مجموعه ریاست جمهوری بر تمرکز هرچه بیشتر تصمیم‌گیری و سیاست گذاری در ریاست جمهوری می انجامد و طبیعی است که تمرکز ایجاد شده نقش طبقه متوسط جدید در تصمیم‌گیری و کنشگری فعال آن در فضای سیاسی کشور را کاهش می‌دهد. برخی کارشناسان اقتصادی بیان می داشتند که با متمرکز شدن سیاست گذاری و تصمیم‌گیری اقتصادی در نهاد ریاست جمهوری جایگاه دیگر شخصیت ها و نهادهای اقتصادی ایران تضعیف خواهد شد. نمایندگان مجلس این اقدامات از سوی دولت نهم را شتابزده قلمداد کردند و به انتقاد از آن پرداختند. کشمکش میان مجلس و دولت احمدی‌نژاد برای تصویب لایحه ای که برخی آن را غیر قانونی می شمردند، باعث گردیده بود تا برخی این اقدام وی را به‌نوعی تعارض با حاکمیت قانون، به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی خوب بدانند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

نتیجه گیری

تمرکزگرایی شدید دولت‌های نهم و دهم احمدی‌نژاد که ناشی از وابستگی بیشتر دولت‌های قبل به درآمدهای رانت نفتی بود، عدم نیاز به طبقات اجتماعی جامعه و در نتیجه عدم پاسخگویی به آنان را به دنبال داشت. شفافیت و پاسخگویی به‌عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب، در دولت تمرکزگرای احمدی‌نژاد بسیار مورد بی توجهی قرار گرفته بود. بی توجهی به شفافیت و پاسخگویی مسئولان به مردم نیز به نوبه خود فسادهایی را به دنبال دارد که می‌تواند کارنامه حکمران را در نیل به حکمرانی خوب با چالش مواجه سازد. حاکمیت قانون نیز به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی خوب در این دولت به خوبی تحقق نیافت؛ چراکه احمدی‌نژاد به دلیل برخورداری از روحیه تمرکزگرایی، به دنبال ادغام برخی از نهادها در یکدیگر و مدیریت آنان توسط دولت مرکزی بود. درحالی‌که چنین اقداماتی در بسیاری از موارد با مخالفت قوه مقننه و نمایندگان مجلس مواجه می شد. عزل و انتصاب های بسیار زیاد این دولت که ناشی از اتخاذ رویکر تمرکزگرایی در انتصابات بود، کارآمدی و اثربخشی را به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی خوب، با چالش مواجه می ساخت زیرا مقامات منصوب شده در دولت تمرکزگرا قادر به اجرای برنامه‌های کارشناسی خود نبوده، لذا پس از گذشت مدتی از انتصاب، یا توسط دولت عزل شده و یا خود استعفا می دادند. این امر ثبات سیاسی در ارگان‌ها و نهادهای دولتی را با مشکل مواجه ساخته و موجب کاهش کارآمدی دولت می شد. دولت نهم و دهم به‌صورت هدفمند به صدور مجوز فعالیت مطبوعات و تشکل های سیاسی می‌پرداخت. نهادهایی همسو با خود تأسیس می کرد. مشارکت غیر مستقیم مردم در سپهر سیاسی کشور را کم کرده و تلاش می داشت تا خود به‌صورت مستقیم در اکثر امور اجرایی - سیاسی و اداری کشور ورود یابد، امری که با بسیاری از شاخص‌های حکمرانی خوب و اصول دموکراسی و توسعه سیاسی در تضاد بود. در یک جمله بایستی عنوان داشت که تمرکزگرایی شدید دولت احمدی‌نژاد عدم تحقق برخی از شاخص‌های حکمرانی خوب را به دنبال داشته و روند پیشروی به‌سوی حکومت خوب جمهوری اسلامی ایران را با تاخیر مواجه ساخته است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

منابع

منابع مکتوب

۱. آبیار، منصور و همکاران، (۱۳۹۶)، نقش حکومت‌های محلی در فرآیند توسعه سیاسی مطالعه موردی، ایران، فصلنامه سیاست جهانی، وره ۶، شماره ۱، ۱۵۹ - ۱۹۳.

۲. اسدزاده، هانیه و غنی پور، مرضیه، (۱۳۹۳)، تمرکزگرایی تهران و علل آن. مجموعه مقـالات همـایش تمرکززدایی و تمرکزردایی پایتخت، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۳. اسدی، مرتضی، (۱۳۷۱)، تمرکز سیاسی-اداری و مراحل رشد اقتصادی، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۳۱، شماره ۴۶، ۵۵ - ۷۵.

۴. امیدی، علی، (۱۳۹۲)، امنیت و توسعه پایدار و تقویت قانونمند حکومـت هـا ی محلـی در ایـران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره ۴، ۱۱۳ - ۱۳۶.

۵. امیراحمدی، هوشنگ، (۱۳۸۱)، جامعه سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی، تهران: نشر نقش و نگار.

۶. پهلوی، محمدرضا، (۱۳۴۷)، مأموریت برای وطنم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران.

۷. رحیمی، علیرضا و کتابی، محمود، (۱۳۹۳)، گفتمان امنیتی دولت‌های نهم و دهم به مثابه گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید، فصلنامه مطالعات راهبرد، سال هفدهم، شماره ۴، ۳۲-۶۶.

۸. سریع القلم، محمود، (۱۳۷۱)، اصول ثابت توسعه سیاسی، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۵۵ و ۵۶، ۲۶-۲۹.

۹. شیرودی، مرتضی، (۱۳۸۷). تمرکز و توسعه سیاسی در تاریخ معاصر ایران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۳، ۴۹-۸۳.

۱۰. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸۲)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.

۱۱. عیوضی، محمدرحیم و مرزبان، نازنین، (۱۳۹۵)، بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۵، ۱۱۸-۱۳۷.

۱۲. غفاری، مسعود و ترجمان، فریبا، (۱۳۹۷)، مدرنیته سیاسی در دولت‌های نهم و دهم، رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی، دوره ۹، شماره ۳، ۱۵۰ - ۱۷۱.

۱۳. فروغی ابری، علی اصغر و سهامی، فرهاد، (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر تمرکزگرایی در تاریخ معاصر ایران در دو مقطع انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، فصلنامه ژرفاپژوه، سال دوم، شماره ۲ و ۳، زمستان و بهار ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴، از ۱۱۶ - ۱۴۶.

۱۴. مرادی، ابراهیم و رهنما، علی و حیدریان، سمیرا، (۱۳۹۶)، تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب برکنترل فساد (مطالعه موردی کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا)، فصلنامه اقتصادی مقداری (بررسی های اقتصادی سابق)، دوره ۱۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، ۱۵۱-۱۸۲.

۱۵. معمارزاده، غلامرضا و پاک طینت، اقبال، (۱۳۸۵)، عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی، فصلنامه کنترولر، سال چهل و یکم، دوره دوم، شماره ۲۱، پائیز و زمستان ۸۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

۱۶. موسی‌زاده، رضا، (۱۳۸۷)، حقوق اداری ۱ و ۲، تهران: نشر میزان.
۱۷. نبوی، مصطفی، (۱۳۵۶)، تمرکز و عدم تمرکز اداری و سیاسی در ایران، تهران: خواجه.
۱۸. نظری، سید غنی و بشیری گیوی، حسین و جنتی، سعید، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره اول، زمستان، از ۱۳۸-۱۴۶.

منابع اینترنتی

۱۹. خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۲/۵/۱۲)، ۱۳ عزل و ۳ استیضاح در کارنامه وزاری احمدی‌نژاد، ماندگارترین وزیر چه کسی بود؟ تاریخ مشاهده، ۱۳۹۹/۲/۲۳، قابل مشاهده در سامانه ذیل:
13- /109941 /13 /05 /https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392
3-%D8%A7%D8%B3%D8 -88 %84-%D9 %%D8%B9%D8%B2%D9
%AA%DB%8C%D8%B6%D8%A7%D8%AD-%D8%AF%D8%B1-
8- %86 %D8%A7%D9 %%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D9
88%D8%B2%D8%B1%D8%A7%DB%8C- %87-%D9 %5%D9
85%D8%AF%DB%8C- %%D8%A7%D8%AD%D9
85%D8%A7%D %86%DA%98%D8%A7%D8%AF-%D9 %%D9
86%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D8%B1%D8%AA%D8 %9
88%D8%B2%DB%8C%D8%B1- %86-%D9 %%B1%DB%8C%D9
87-%DA%A9%D8%B3%DB%8C- %%DA%86%D9
88-%84-%D9%88%D9%88%D8%AF-%D8%AC%D8%AF%D9%%D8%A8%D9
88%D8%AF%D8%A7%D8%B1%85%D9%86%D9%%D9
۲۰. دارایان، (۱۳۹۴/۴/۲۳)، ناگفته های ابراهیم شیبانی رییس کل اسبق بانک مرکزی از سیاست‌های احمدی‌نژاد، تاریخ مشاهده ۱۳۹۹/۲/۲۳، قابل مشاهده در سامانه ذیل:
https://www.daraian.com/fa/paper/141-day/8707
۲۱. رادیوفردا، (۱۳۸۶/۱۱/۲۵)، واکنش رییس مجلس به انحلال شوراهای عالی توسط دولت، تاریخ مشاهده ۱۳۹۹/۲/۲۳، قابل مشاهده در سامانه ذیل:
https://www.radiofarda.com/a/f5_breakup_commission/434886.html
۲۲. رزاقی، سهراب، (۱۳۹۰/۱/۱۵)، ایران: خطر نابودی سازمان‌های مستقل جامعه مدنی، عفو بین الملل و عرصه سوم، تاریخ مشاهده ۱۳۹۹/۲/۲۳، قابل مشاهده در سامانه ذیل:
https://www.amnesty.org/download/Documents/32000/mde130372011fa.pdf
۲۳. عیوضی، سمانه، (۱۳۹۴/۹/۲۷)، روحانی و احمدی‌نژاد در قبال احزاب چه کردند؟ / از وضعیت احزاب در دولت احمدی‌نژاد تا رویکرد یازدهم به جریان‌های سیاسی، باشگاه خبرنگاران جوان، تاریخ مشاهد ۱۳۹۹/۲/۲۳، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

88%D8%AD%https://www.yjc.ir/fa/news/5421537/%D8%B1%D9
88-%D8%A7%D8%AD %86%DB%8C-%D9 %%D8%A7%D9
86%DA%9 %8C%D9 %80 %85%D8%AF%DB%8C%E2 %%D9
82%D8%A- %8%D8%A7%D8%AF-%D8%AF%D8%B1-%D9
84-%D8%A7%D8%AD%D8%B2%D8%A7%D8%A8-%8%D8%A7%D9
86%D8%AF-%87-%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%%DA%86%D9
88%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D8%AA-%%D8%A7%D8%B2-%D9
%D8%A7%D8%AD%D8%B2%D8%A7%D8%A8-%D8%AF%D8%B1-
%84%D8%AA-%D8%A7%D8%AD%D9 %88%D9 %%D8%AF%D9
86%DA%98%D8%A7 %8C%D9 %80 %85%D8%AF%DB%8C%E2
88%DB%8C%DA- %%D8%AF-%D8%AA%D8%A7-%D8%B1%D9
84%D8%AA-%DB%8C%D8%88%D9%%A9%D8%B1%D8%AF-%D8%AF%D9
87-%D8%AC%D8%85-%D8%A8%D9%87%D9%%A7%D8%B2%D8%AF%D9
87%D8%A7%DB%8C-%-%8C%D9%80%86%E2%%B1%DB%8C%D8%A7%D9
D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C

۲۴. مولودی، عبدالعزیز، (بی تا)، نگاهی به آیین نامه جدید تشکیل و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی، تاریخ مشاهده ۱۳۹۹/۲/۲۳، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

84%D8%A7% %82%D8%A7%D9 %85%D9 %http://irancso.com/%D9
87%DB%8C- %86%DA%AF%D8%A7%D9 %D8%AA/1082-%D9
8C%D%80%86%E2%87-%D8%A2%DB%8C%DB%8C%D9%%D8%A8%D9
87-%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF-%85%D9%86%D8%A7%D9%9
88- %84-%D9 %%D8%AA%D8%B4%DA%A9%DB%8C%D9
84%DB%8C%D8%AA-%D8%B3%81%D8%B9%D8%A7%D9%%D9
8C%D- %80 %86%E2 %85%D8%A7%D9 %%D8%A7%D8%B2%D9
88%D%87%D8%A7%DB%8C-%D8%BA%DB%8C%D8%B1%D8%AF%D9%9
84%D8%AA%DB%8C.html%9

منابع انگلیسی

25. Basley, Timothly, and Case, Anne, (1995), "Incumbent Behavior: Vote-Seeking, Tax-Setting, and Yardstick Competition", American Economic Review, 85, pp. 25-45.

26. Boffa, Federico, Piolatto, Amedo and Ponzetto, Giacomo A.M., (n.d.), "Political Centralization and Government Accountability", BBVA foundation, Spain.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

27. Charlick, R. (1992). The Concept of Governance and its Implications for A.I.D. Development Assistance. Washington D.C: ARD.
28. Conyers, Diana, (1983), "Decentralization: the Latest Fashion in Development Administration", in Public Administration and Development, Vol. 3.
29. Conyers, Diana. (1986). Future Direction in Development Studies: The Case of Decentralization. World Development, 593-603.
30. Dahl, R. A., (1982), "Dilemmas of Pluralist Democracy: Autonomy vs Control", New Haven, Yale University Press.
31. Eaton, Kent, and Kaiser, Kai, and Smoke, Paul, (2010), The Political Economy of Decentralization Reforms, Implications for Aid Effectiveness, 2010 International Bank for Reconstruction and Development, The World Bank, Washangton DC.
32. Evans Oluwagbamila, Ayeni, (2019), POLITICAL DEVELOPMENT THEORY, ITS CRITICISM, AND APPLICATION, Theories and Models of Public Administration & Development Studies (2018), In A.B Amadasun & D.O Salifu (Eds.) 978-1233-2-1-4.
33. Evans, P. (1996). Government action, social capital and development:Reviewing the evidence of synergy. World Development, 1119-1132.
34. Flynn, Norman and Strehl, Franz, (1963),
35. Landell-Mills P. and I. Serageldin, (1991), Governance and the External Factor, Washangton, World Bank Annual Conference.
36. Nadeem, Malik, (2016), Analyzing Good Governance and Decentralization in Developing Countries, Development Studies Program, University of Melbourne, Australia.
37. Nyiri, Zsolt, (n.d.), "Decentralization and Good Governance: Ten Years of Hungarian Experience", University of Connecticut.
38. Riker, William H. "Federalism: Origin, Operation, Significant ", Boston: Little, Brown and Company.
39. Rondelli, D. (1984). Decentralization in Developing Countries. Washington: World Bank.
40. Rousseau, Mark O. and Zariski, Raphael, (1987), "Regionalism and Regional Devolution in Comparative Perspective", New York: Praeger.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]

41. Sheng, Yap Kioe, (2008), Good Governance and Decentralization in Southeast Asia, UN Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (ESCAP), Paper prepared for International Symposium on Challenges and Prospects of Local Governance in the Age of Civil Society, 15-17 November 2008, Aichi Gakuin University, Aichi, Japan.

42. Skocpol, T. (1996). Unravelling from above. The American Prospect, 20-25.

43. Vengroff, Richard & Salem, Ben.H, (1992), "Assessing the Impact of Decentralization on Governance: a Comparative Methodological Approch and Application to Tunisia" in Public Admin. & Dev. V.12, pp. 473-492.

44. Wolman, H. (1990). 'Decentralization: what it is and why we should care. In R. J.Bennett, Decentralization, Local Governments, and Markets: Towards a Post-welfare Agenda. Oxford: Clarendon Press.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۱۰۷

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

غفاری، مسعود؛ رستم‌پور، محمد (۱۴۰۰)، «نسبت تمرکزگرایی و حکمرانی خوب در دولت‌های نهم و دهم» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۱، ش۱، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۷۷-۱۵۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.4.2]